

الله أكبر
محمد وآله



اطلاعیه

سید احمد الحسن (علیه السلام) یمانئ موعود از طریق
پرده مرکز پژوهش های عالی دینی و لغوی در نجف
اشرف بحث صوتی را ارائه خواهد نمود. موضوع
بحث (قسمت اول) تحت عنوان سهو و نسیان معصوم
روز شنبه تاریخ ۴ رمضان ۱۴۳۷ مصادف با ۲۰۱۶/۶/۱۰
ساعت ۱۰ صبح به وقت شهر کوفه پایتخت حکومت
عدل الهی.

صفحه رسمی فیس بوک سید احمد الحسن (ع) یمانئ موعود:

FB/Ahmed.Alhasan.10313

«کاری از موسسه علمی فرهنگی وارثین ملکوت»



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

سلام علیکم ورحمه الله و برکاته

موضوع مبحث ما در همایش امروز «سهو(اشتباه) و نسیان(فراموشی) معصوم» می باشد.

سهو، عبارت است از به یاد نیاوردن، به گونه‌ای که به انجام دادن یا ترک یک موضوع از روی غفلت و بدون علم مُنجر شود.

نسیان نیز در اصل، همان یادآورنشدن است که به ترک موضوعی از روی عدم دانش یا غفلت منجر می‌شود. همچنین به یاد نیاوردن معلومات، در واقع، ترک آن از روی غفلت است.

گاهی نیز کلمه‌ی «نسیان» برای ترک و بی‌تفاوت بودن عمدی و از روی علم نسبت به یک مسأله به کار می‌رود. ولی این معنا به قرینه‌ای نیاز دارد که بتوان [طبق آن قرینه]، این معنا را برداشت کرد. چرا که اصل در نسیان، ترک کردن از روی غفلت است و نه ترک عمدی و دانسته و از سر بی‌تفاوتی. برای این منظور می‌توان این سخن خداوند را به عنوان قرینه ذکر نمود:

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ هُؤُلَاءِ وَلَعِبًا وَعِزَّةً هُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (اعراف: ۵۱)

آنان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند، و زندگی دنیا مغرورشان کرد، پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند، و آیات ما را انکار می‌کردند، ما [هم] امروز آنان را از یاد می‌بریم.

«نَنسَاهُمْ» (آنان را از یاد می‌بریم) به این معنا است که آنان را رها می‌کنیم و نسبت به آنان بی‌تفاوت می‌شویم.

این سخن خداوند متعال را نیز می‌توان به عنوان قرینه ذکر نمود:

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمْ الْفَاسِقُونَ (توبه: ۶۷)

مردان و زنان منافق، مانند یکدیگرند. به کار ناپسند وامی‌دارند و از کار پسندیده باز می‌دارند، و دست‌های خود را [از انفاق] فرو می‌بندند. خدا را فراموش کردند، پس [خدا هم] فراموششان کرد. در حقیقت، این منافقانند که فاسقند.

«نَسِيَهُمْ» (فراموششان کرد) به این معنا است که خداوند آنان را رها کرده است و نسبت به آنان بی‌تفاوت است.

نسیانی که در اینجا به خداوند نسبت داده شده است، فقط ترک نمی‌باشد -چنان که برخی می‌پندارند- در غیر این صورت خداوند می‌فرمود: «**نترکهم**» (آنان را رها می‌کنیم) بلکه منظور ترک با بی‌تفاوتی و رها کردن از روی دانش می‌باشد.

خلاصه این که دو معنا برای نسیان وجود دارد:

اول: ترک همراه با غفلت. این همان نسیانی است که آن را می‌شناسیم و زمانی که کلمه‌ی «فراموش کردن» را می‌شنویم، بلافاصله این معنی به ذهن می‌رسد.

همان‌طور که گفته شد، معنای **دوم** نسیان، ترک از روی علم است و منظور از آن بی‌تفاوتی است و پذیرش آن به قرینه‌ای نیازمند است که گفته شد. معمولاً لفظ نسیان فقط به معنای «رها کردن» به کار نمی‌رود. برای رساندن معنای «رها کردن» لفظ دیگری به کار می‌رود و آن «تَرَكَ» (رها کرد) می‌باشد.

مسأله‌ای که ما در این همایش در صدد بحث در مورد آن می‌باشیم، همان نسیان از نوع اول است؛ یعنی **ترک همراه با غفلت**.

در حقیقت و به طور کلی مسأله‌ی سهو و نسیان نزد انسان از یک جهت به نفس انسانی مرتبط است و از جهت دیگر به مغز که ابزار بیولوژیکی در جسم هر انسان کامل است. این ابزار بیولوژیکی توانایی‌های محدودی دارد؛ مانند **قدرت تمرکز مغز**؛ مغز انسان توانایی محدودی در متمرکز شدن و یادآوری دارد. واقعاً طبیعی است که مغز نمی‌تواند در آن واحد با نهایت دقت روی موارد مختلفی

تمرکز کند و آنها را پی‌گیری نماید. پس نسیان و سهو، حالت‌هایی طبیعی است که هیچ انسانی فاقد آن نیست به خصوص در کارهای ترکیبی یا پیچیده و یا پی‌درپی؛ زیرا این حالت‌ها ملازم و همراه مغز مادی و جسمانی ماست که امکان خلاصی از آن نیست. به همین دلیل بسیاری از مردم با ثبت کردن قرارها و کارهایی که باید انجام دهند، تلاش می‌کنند که خودشان را از نسیان و سهو در امان نگه دارند. افرادی که کارهای مهمی دارند، اشخاصی را استخدام می‌کنند تا قرارها و کارهایشان را ثبت و پیگیری کنند و به آنان یادآوری نمایند.

به همین دلیل می‌بینیم سازندگان برخی از ابزارهایی که انسان از آن استفاده یا روی آن کار می‌کند؛ در آن ابزارها یادآوری‌کننده (هشدار) های نوری، تصویری یا صوتی قرار می‌دهند. چرا که در این ابزارها معمولاً موارد متعددی هست که نیاز به مراقبت دارد و آنان از روی تجربه می‌دانند که انسان با مراقبت و تمرکز روی برخی مسائل، نسبت به بعضی مسائل دیگر، دچار نسیان و سهو می‌شود.

گاهی انسان مخصوصاً برای برداشتن چیزی به جایی می‌رود؛ ولی وقتی که به آن جا می‌رسد، می‌بیند که دلیل آمدنش را فراموش کرده است؛ چرا که در طول مسیر، افکارش به چیزهایی مشغول شده است که مغزش را از تمرکز بر مسأله اولیه (که به دنبالش بود) بازداشته است.

گاهی انسان در مورد مسأله‌ی مشخصی سخن می‌گوید. ولی افکارش به موضوع دیگری مشغول می‌گردد و اندکی روی آن موضوع تمرکز می‌کند. اما وقتی می‌خواهد به بحث اصلی که موضوع صحبتش بوده، باز گردد، آن را فراموش می‌کند و چه بسا از همراهانش، موضوع بحث را می‌پرسد. گاهی نیز انسان می‌خواهد در مورد موضوع مشخصی سخن بگوید؛ ولی فرد مخاطب در مورد موضوع دیگری سخن می‌گوید، در نتیجه انسان موضوع اصلی صحبت خودش را فراموش می‌کند.

دلیل نسیان در همه‌ی این حالت‌ها این است که توانایی مغز انسان نسبت به تمرکز بر موارد متعدد در یک زمان، محدود است و با تمرکز بر یک موضوع معین، از موضوعات دیگر غافل می‌شود. این مسأله در مورد کالبد مادی انسانی، طبیعی است و به روح یا نفس انسانی او ربطی ندارد که در صورت ارتقا و بالارفتن مقام روحیش، قدرت تمرکز بهتری پیدا کند. این که طبیعت انسان دچار نسیان و سهو می‌شود، مسأله‌ای تجربی است که همه می‌توانند آن را ببینند و با بررسی احوال خودشان و بقیه‌ی مردم، آن را لمس کنند و این موضوع از لحاظ علمی ثابت شده است.

فرد معصوم نیز یک انسان است، پس سهو یک حالت طبیعی است که بر او نیز مانند بقیه انسان‌ها عارض می‌شود. در نتیجه؛ فرض «عصمت از سهو» -چه عصمت از سهو به طور مطلق و چه عصمت از سهو در عبادت- نیازمند دلیل قطعی است و این دلیل قطعی، باید آیه‌ای محکم یا روایتی قطعی الصدور و قطعی الدلاله نسبت به این مطلب و یا یک دلیل عقلی تام باشد. اما گروهی که مدعی اعتقاد به عصمت معصوم از سهو و نسیان به صورت مطلق یا در عبادت می‌باشند، دارای هیچ یک از این دلایل قطعی نیستند.

جالب این است که در مورد مسأله‌ی سهو و نسیان معصوم، متکلمان و فقهای شیعه روی نظر واحدی متفق نیستند؛ چه برسد به این که همه‌ی متکلمان و فقهای اسلام (شیعه و غیر شیعه) روی آن اتفاق نظر داشته باشند.

ان شاء الله افراد مؤمن و طالب حق، با یافتن حقیقت و نتیجه‌ای روشن که خالی از ابهام بوده و با آیات محکم و صریح قرآن مخالفت نداشته باشد، از مسأله‌ی سهو و نسیان معصوم خارج خواهند شد.

در مورد ارتباط بین خلیفه و جانشین خداوند با یادآوری و سهو و نسیان، چند فرض را می‌توان در نظر گرفت:

❖ **فرض اول:** این که خلیفه‌ی خداوند، ذاتاً طوری خلق شده که به هیچ وجه نسیان و سهو در او راه ندارد. این فرض باطل است و غلوّ (زیاده روی) می‌باشد؛ زیرا لازمه‌ی این مسأله آن است که خلیفه‌ی خداوند در زمین، نور مطلق بدون ظلمت باشد؛ و این یعنی کمال مطلق. این سخن باطلی است؛ به این خاطر که نوری که هیچ ظلمتی در آن نیست، همان لاهوت مطلق (خدای سبحان) است و غیر او کسی دارای این صفت نیست.

به همین ترتیب، عقیده به عصمت ذاتی از سهو و نسیان در بعضی جهات نیز امکان ندارد، به این معنی که بگوییم معصوم به صورت ذاتی از سهو در تبلیغ و عبادت، معصوم بوده ولی در مسائل دنیوی معصوم نمی‌باشد؛ چرا که معنای این قول این است که ذات معصوم، نگاه‌دارنده و بازدارنده است، حال اگر عصمت ذاتی از سهو و نسیان، از یک جهت (مثلاً از جهت موارد دنیوی) نقض شود، این مسأله که ذات معصوم بازدارنده است از بین می‌رود. در نتیجه هر نوع عصمت ذاتی معصوم از سهو و نسیان از بین می‌رود. به همین خاطر باید به سخن برخی از آنان توجه شود؛ در مورد این که قایل نبودن به عصمت ذاتی از سهو از یک

جهت، به معنای قایل نبودن به عصمت ذاتی از همه‌ی جهت‌ها است. این برداشت تنها در صورتی قابل طرح است که عصمت معصوم از نسیان و سهو ذاتی باشد. پس این فرض باطل است؛ چرا که فردی که معصوم به ذات و دارای عصمت مطلق است، همان کامل مطلق به ذات است و او فقط خداوند سبحان می‌باشد.

❖ **فرض دوم:** این که خلیفه و جانشین خداوند مطلقاً نسیان و سهو ندارد؛ به خاطر این که یادآوری‌کننده‌ای دارد که او را مطلقاً از سهو و نسیان بازمی‌دارد. البته معمولاً منکران سهو و نسیان معصوم، بین فرض اول و دوم تفاوتی قائل نمی‌شوند. ولی فرض می‌کنیم که مقصود آنان از عصمت معصوم از سهو و نسیان، فرض دوم است؛ تا آنان را در دایره‌ی مُتَّهَمَان به غلوّ قرار نداده باشیم. به عنوان نتیجه می‌گوییم: این یک سخن عقیدتی است و به همین خاطر نیاز به دلیل قطعی و یقینی دارد. در حالی که در سخنان آنان، دلیل عقلی یا نقلی کاملی نمی‌بینیم که بتوان در عقاید به آن تکیه نمود. تنها چیزی که می‌بینیم این است که آنان برای اثبات این عقیده‌ی خودشان، به عقاید مخالفانشان اشکال می‌گیرند. آنان معمولاً اشکالاتی را نسبت به آیاتی که نسیان برخی پیامبران (ع) را ذکر کرده است، مطرح می‌کنند و در مورد روایاتی که سهو پیامبر (ص) یا امامان (ع) را ذکر می‌کند، اشکال وارد می‌کنند و به دنبال آن، اشکالات عقلی بر مسأله‌ی سهو معصوم در عبادت می‌آورند. ما دلایل رد این اشکالات را بیان خواهیم نمود و روشن خواهیم کرد که این دلایل برای اثبات عقیده‌ی آنان کافی نیست.

❖ **فرض سوم:** این که خلیفه‌ی خداوند مانند هر انسان دیگری سهو و نسیان داشته باشد. معنای این فرض این است که امکان دارد در تبلیغ قسمتی از دین الهی نسیان و سهو داشته باشد و موردی را به عنوان این که جزو دین است، تبلیغ کند. ولی آن مورد جزو دین نباشد؛ یا اینکه بخواهد چیزی را که جزو دین الهی است، تبلیغ کند؛ و در راه تبلیغ آن، دچار سهو شود و یادآوری‌کننده‌ای نداشته باشد؛ (نه وحی مستقیم از سوی خداوند و نه به واسطه فرشتگان یا هر چیزی که خداوند بخواهد برای منتقل کردن وحی از آن استفاده کند). **این سخن با قرآن تناقض دارد؛** زیرا خداوند به روشنی در قرآن به وجود یادآوری‌کننده‌ای الهی (که ضامن رسیدن رسالت الهی به صورت صحیح و کامل به مکلفین است) تصریح کرده است.

إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا * لِيَعْلَمَ أَنْ
قَدْ أُبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (جن: ۲۷ و ۲۸)

جز پیامبری را که از او خشنود باشد، که [در این صورت] برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانی می‌گمارد، تا معلوم بدارد که پیام‌های پروردگار خود را رسانیده‌اند؛ و [خدا] به آنچه نزد ایشان است، احاطه دارد و هر چیزی را به تعداد شماره کرده است.

این عقیده‌ی فاسد، عقیده برخی وهابی‌های سلفی می‌باشد. آنان به این سخن چنگ زدند تا مخصوصاً از عمر و تابعانش که رسول الله (ص) را به هذیان گفتن متهم نمودند، دفاع کنند. آنان می‌خواهند دلیلی برای کار عمر بیاورند، هرچند با نص صریح قرآن مخالفت داشته باشد؛ و هر چند این عقیده همراه با زخم زدن به دین اسلام یا با طعنه زدن نسبت به محمد رسول خدا (ص) باشد. آنان می‌گویند: اشکالی ندارد که محمد (ص) هذیان بگوید یا سخن خود را نفهمد؛ در حالی که ایشان (ص) می‌خواهند وصیت شان را که امت را از گمراهی تا روز قیامت باز می‌دارد، به آنان برسانند؛ چرا که به عقیده‌ی آنان سهو و نسیان در هر مسأله‌ای برای محمد (ص) جایز می‌باشد؛ حتی در تبلیغ دین خداوند سبحان و متعال. پس بر اساس عقیده‌ی آنان، امکان دارد حضرت محمد (ص) در بستر مرگ باشد و بگوید: نامه‌ای بیاورید تا برای شما وصیتم را که تا روز قیامت شما را از گمراهی باز می‌دارد بنویسم، ولی در عین حال، ایشان سهو و اشتباه کند و نداند چه می‌گوید و عقلش از بین رفته و هذیان بگوید و بیماری بر او غلبه یافته باشد، این سخنی است که عُمر و همراهانش گفتند. فکر می‌کنم افراد بسیاری، حدیث مشهور مصیبت پنج‌شنبه از ابن عباس به گوششان خورده باشد.

یکی از این روایات را برایتان می‌خوانم:

يوم الخميس وما يوم الخميس، ثم جعل تسيل دموعه حتى رؤيت على خديه
كأنها نظام اللؤلؤ، قال: قال رسول الله (ص): ائتوني بالكتف والدواة، أو اللوح
والدواة، أكتب لكم كتاباً لن تضلوا بعده أبداً، فقالوا: إن رسول الله يهجر.

روز پنج‌شنبه و چه پنج‌شنبه‌ای. سپس اشک‌هایش جاری گشت تا این که مانند رشته‌ای از مروارید بر گونه‌هایش نقش بست. او گفت: رسول الله (ص) فرمود: کتِف (صفحه) و دواتی

بیاورید، تا برایتان نوشتاری بنویسم که بعد از آن هرگز گمراه نشوید. آنان گفتند: رسول الله هذیان می‌گوید. (راوی: سعید بن جبیر، آورنده‌ی حدیث: مسلم، منبع: صحیح مسلم، صفحه یا شماره ۱۶۳۷، به نظر محدث صحیح است.)

❖ **فرض چهارم:** این که ممکن است خلیفه‌ی خداوند مانند هر انسان دیگری در مواردی نسیان و سهو داشته باشد و در موارد دیگری به طور مطلق ممکن نیست که نسیان و سهو داشته باشد؛ به این دلیل که یادآوری‌کننده‌ی خارجی دارد یا به خاطر حکمتی دیگر.

این فرض چهارم، همان عقیده‌ی آل محمد (ص) است. ولی بعضی افراد در اینجا مواردی را از خودشان به موارد سهو و نسیان غیر ممکن برای معصوم اضافه کرده‌اند؛ مانند سهو در برخی از اجزای عبادت‌ها، مانند تعداد رکعات؛ که البته در این مورد، روایاتی از طریق اهل سنت و شیعه وارد شده است که سهو پیامبر (ص) در تعداد رکعات و سهو امامان را در برخی از عبادات مانند طواف بیان می‌کند. روایات سهو امامان نیز در کتب شیعه بیان شده‌اند.

طبیعتاً برخی از این افراد از روی ناآگاهی مدعی می‌شوند که علمای شیعه در مورد عقیده‌ی نفی سهو از معصوم اجماع دارند. اما در حقیقت اجماعی وجود ندارد؛ بلکه از بزرگان علمای شیعه افرادی موجود هستند که بر امکان سهو پیامبر یا معصوم در عبادت و یا عدم وجود دلیل بر نفی آن تصریح دارند. از آن جمله شیخ صدوق و استادش محمد بن الحسن - خداوند رحمتشان کند - می‌باشند. گوشه‌ای از کلام شیخ صدوق را در این مورد برایتان می‌خوانم. او می‌گوید:

«غلات و مَفْوْضَه - خداوند آنان را لعنت کند - سهو پیامبر (ص) را ذکر می‌کنند و می‌گویند: اگر جایز باشد که ایشان (ع) در نماز سهو داشته باشد، جایز است که در تبلیغ نیز سهو داشته باشد؛ به این خاطر که همان‌طور که تبلیغ بر او واجب است، نماز بر او واجب می‌باشد. این مسأله، ما را مُلْزَم نمی‌کند و این بدان دلیل است که در همه‌ی حالات مشترک، بر پیامبر (ص) مسأله‌ای واقع می‌شود که بر غیر ایشان نیز واقع می‌شود. ایشان مانند بقیه‌ی افرادی که پیامبر نیستند، باید نماز بخوانند.»

این سخن از شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۵۹ تا ۳۶۰ است. طبعاً سخن شیخ صدوق به توضیحی نیاز ندارد و کاملاً روشن است. شیخ طوسی - خداوند رحمتش کند - نیز همین نظر را دارد. شیخ طوسی در ذیل این آیه از قرآن، نظرش را مطرح کرده است:

وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يُخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ
وَ إِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (انعام: ٦٨)

و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می‌روند، از ایشان روی برتاب؛ تا در سخنی غیر از آن درآیند؛ و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجه، [دیگر] با قوم ستمکار منشین.

شیخ طوسی - خداوند او را رحمت کند- می‌گوید:

«همچنین جبائی به این آیه استدلال کرده است که سهو و نسیان برای پیامبران امکان پذیر است. او برخلافِ مطلبِ رافضیان معتقد شده است. رافضیان به گمان خود گفته‌اند که هیچ نوع سهوی برای پیامبران جایز نمی‌باشد. این مسأله نیز صحیح نمی‌باشد؛ به این خاطر که ما می‌گوییم امکان سهو و نسیان برای آنان در مسایلی که از سوی خداوند انجام می‌دهند، صحیح نیست. اما در غیر آن، امکان نسیان و سهو دارند؛ آن هم مسایلی که باعث اخلال به کمال عقل نمی‌شود. چگونه این مسأله برایشان جایز نباشد؟ درحالی که آنان می‌خوابند و بیمار می‌شوند و بیهوش می‌گردند. خواب سهو می‌باشد و همچنین در بسیاری از کارهایشان و مواردی که برایشان اتفاق افتاده است فراموشی دارند، این عقیده، فاسد است.» (التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ الطوسی ج ٤ ص ١٦٥)

به گمانم سخن شیخ نیز روشن بود.

همچنین از جمله افرادی که در این مورد تصریح نمودند، محمد بن حسن بن شهید ثانی - خداوند رحمتش کند- می‌باشد. او در سخن خود در یکی از احادیثِ بحثِ اضافات در نماز می‌گوید:

«اما پنجم: مسأله‌ای که گمان می‌کنم این است که نشانه‌های قرارداد در آن می‌باشد؛ نه از این جهت که در بردارنده‌ی سهو پیامبر (ص) است؛ زیرا نفی کردن این مسأله با وجود روایات معتبر، محل سخن است.» کلامش در اینجا تمام شد. (منبع: إستقصاء الإعتبار فی شرح الاستبصار، محمد بن حسن ج ٦ ص ٢١٥)

همچنین افراد بسیاری هستند که به این مسأله تصریح می‌کنند. من این بحث را با نظر سید خویی به پایان می‌رسانم. سیدخویی -خداوند رحمتش کند- در جایی که تصریح می‌کند دلیلی وجود ندارد که به صورت قطعی و یقینی سهو از معصوم را، در موضوعات خارجی نفی

کنیم (مانند: کارهای نماز و حج و ... و تعداد رکعات که در روایات ذکر شده‌اند یا تعداد شوط‌های طواف)، می‌گوید: «قدر متیقن از سهو ممنوع بر معصوم آن سهوی است که در موضوعات خارجی نباشد. و خدا عالم است.» این نظر سید خوئی بود. (منبع: صراط النجاه ج ۱ مسائل فی العقیده سیدخوئی)

اما نظر من:

شکی نیست که اعتقاد به یک امر، نیازمند این است که نسبت به مسأله‌ی مورد نظر که می‌خواهیم به آن معتقد شویم، یقین کنیم. تصریح سید خوئی به نبودن یقین در مسأله‌ی سهو معصوم در موضوعات خارجی، به این معنا است که ایشان به این اعتقادی که بعضی افراد به آن معتقد هستند، اعتقاد ندارد. سیدخوئی در اینجا می‌گوید: نفی کردن سهو از معصوم در موضوعات خارجی، یقینی نمی‌باشد. یعنی دلیلی برای آن وجود ندارد که باعث یقین و اعتقاد شود.

طبعاً غیر از این‌ها افراد دیگری از علمای شیعه هستند که به عصمت پیامبر یا امام از سهو در عبادت معتقد نمی‌باشند. ولی مواردی که ذکر نمودم، برای مشخص شدن اشتباه فردی که مدعی اجماع علمای شیعه در این عقیده می‌باشد، کفایت می‌کند.

والحمد لله رب العالمین.

به خواست خداوند در همایش بعدی بحث در مورد این موضوع را تا انتها ادامه می‌دهیم.

کمک و تسدید از خداوند است.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

راه ارتباط با دعوت یمانی موعود سید احمد

الحسن (ع) به زبان فارسی:

لینک سایت رسمی انصار امام مهدی (ع) به زبان فارسی

<http://almahdyoon.co>

لینک سایت رسمی هفته نامه **زمان ظهور**

<http://www.zamanezohoor.com>

آدرس روم مسنجر انصار امام مهدی (ع) در پالتاک

Paltalk > Asia and pacific > Iran > lil Ansar Emam Mahdi 10313 lil

صفحه رسمی مکتب شریف نجف اشرف به زبان فارسی

<https://www.facebook.com/ALnajafALashraf313>